آماده شده برای وبلاگ

شنبه، 13 دسامبر 2014

07:45 ب.ظ

**جلسه نهم حاج آقا عابدی با اعضاء دارالثقلین در اردیبهشت 1392**

**قرآن**

وَ قَوْلُهُ ص‏ رَحِمَ اللَّهُ خُلَفَائِي فَقِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ مَنْ خُلَفَاؤُكَ قَالَ الَّذِينَ يُحْيُونَ سُنَّتِي وَ

يُعَلِّمُونَهَا عِبَادَ اللَّهِ‏ «1».

پیغمبر اکرم صل الله علیه وآله فرمودند : خداوند رحمت کند جانشینان من را ، گفته شد یا رسول الله جانشینان شما چه کسانی هستند ؟! حضرت فرمودند : کسانیکه سنّت من را احیا می کنند و سنت من را به بندگان خدا یاد می دهند

حدیث

وَ قَوْلُهُ ص‏ أَيُّمَا نَاشِئٍ نَشَأَ فِي الْعِلْمِ وَ الْعِبَادَةِ حَتَّى يَكْبُرَ أَعْطَاهُ اللَّهُ تَعَالَى يَوْمَ الْقِيَامَةِ ثَوَابَ اثْنَيْنِ وَ سَبْعِينَ صِدِّيقاً «5».

پیغمبر اکرم صل الله علیه وآله فرمودند ، هر زمان که مبتدی ، در علم و عبادت رشد کند تا اینکه بزرگ شود ، خداوند متعال ثواب هفتاد و دو صدیق را روز قیامت به او می دهد

مبحث جلسه : رفیق

تا اینجاگفته شد که باید رفاقت خودمان را با انسان پاک و خدایی داشته باشیم ؛

بسیاری از متدینین ( غیر متدینین که حسابشان مشخص هست و کاری به آنها نداریم ) گمان می کنند که رفاقت های آنان مشکلی ندارد و می گویند رفقای ما ، رفقای خوبی هستند ، درحالیکه اینچنین نیست . دلیل آن اینست که :

چون غالب ما انسانها دچار عیب ونقص هستیم ، همینکه یک انسانی ، از خودمان بهتر بود ، احساس می کنیم که او فرشته ی نجات ما هست و بسیار آدم خوبی هست و می تواند ما را به کمال برساند و دوست خدایی ما هست ، در حالیکه حقیقت مطلب اینست که او ، فقط از ما بهتر است نه اینکه دوست خوبی هم باشد ، یعنی ملاک خوب بودنِ یک دوست ، این نیست که از ما بهتر باشد ، بلکه ملاکش اینست که خود آن شخص ، بدون مقایسه ی با من ، بسیار انسان خوب و پاک باشد و اهل معصیت و گناه نباشد و عیب و نقصی نداشته باشد وگرنه این عیب و نقصش به من منتقل می شود.

بعضی دیگر در تشخیص خوب بودن یک شخص به عنوان دوست دچار خطاهای بزرگی می شوند و کاملا ملاک هایشان به دور از حقیقت هست ، مثلا به او می گوییم فلانی که با او رفیق شدی ، چطور آدمی هست ؟ آیا دوست خوبی هست ؟ آدم خوبی هست ؟

در جواب می گوید : حرف ندارد ، خیلی آدم خوبی است ، می گوییم از کجا می گویی ؟ می گوید خیلی با معرفت هست ، خیلی محبت می کند ، خیلی با وفا هست ، اصلا خیانت نمی کند ، همیشه از من حمایت می کند و...

اگر دقت کنی ، می بینی که همه ی ملاک ها و معیارهایی که این شخص به عنوان ملاک و معیار برای خوب بودنِ یک شخص می گوید ، دو ویژگی دارد ؛

1 - تمام ملاک ها بر می گردد به اینکه یک فائده ای به این شخص می رسد . آدم خوبی هست ، چون به من محبت می کند ، چون طرفدار من هست ، چون به من احترام می کند ، چون برای من خرج می کند و... اینها که نشد نشانه ی خوب بودن یک انسان .

 2 - معیار های فرعی و غیر اصلی هست ، حالا اگر از او بپرسی ، این دوست شما به مسجد هم می آید ، نماز و روزه ها و بقیه ی تکالیف دینی اش را مرتب انجام میدهد ، از گناهان دوری می کند ، تو را از گناه باز می دارد یا نه ؟! در جواب می گوید که نه . یعنی آن چیزهایی که اساس و اصول دین هست در حاشیه هست و اصلا به عنوان ملاک و معیار انتخاب دوست قرار نگرفته است

پس خیلی باید تجدید نظر کنیم ، ملاک خوب بودن از دید ما ، دنیاست و توجه به دنیای ما و رسیدگی به خود ماست ومتاسفانه ، ملاک ، بنده ی خدا بودن و انجام دستورات دین به طور کامل نیست.

راه تشخیص رفیق خدایی

بهترین و مهمترین راه تشخیص رفیق خدایی چیست ؟ ( جواب به این سوال ، فرق رفیق دنیایی و خدایی را نیز معلوم می کند )

در واقع یکی از مهمترین ملاک های تشخیص دوست خوب و خدایی اینست که تمام سعی آن شخص اینست که ما را به خدا توجه دهد نه به خودش لذا اگر گناهی بخواهد از ما سر بزند ، جلوی ما را می گیرد و به ما تذکر می دهد ، بالعکس در دوستی های دنیایی که تمام همت و توجه او اینست که ما را به خودش توجه دهد نه به خدا.

یعنی می خواهد خودش را پیش ما محبوب و عزیز کند نه اینکه خدا را پیش ما محبوب و عزیز کند

لذا در دوستی های خدایی با انسانهای پاک و کامل ، این انسان یک وسیله و پلی هست برای رسیدنِ ما به خدا و در تمام مراحل ، سعی دارد که خدا را به ما معرفی کند و بشناساند و خدا را پیش ما محبوب کند وما را با خدا دوست کند نه اینکه به خودش توجه دهد .

آیا دوست خوب پیدا می شود ؟

بعضی ها که می گویند دوست خوب پیدا نمی شود متاسفانه مشکل از خود آنهاست ، چون دوست خوب و خدایی هست و پیدا می شود اما آنها تحمل اینکه با او نشست و برخاست داشته باشند و با او همنشین باشند را ندارند ، چون به دنیایشان خوش نمی گذرد و برای آنها محدودیت ایجاد می شود و در جاهایی که او هست دیگر نمی توانند به راحتی گناه کنند ، لذا به سراغ افرادی می روند که برایشان راحت باشند و شرائط گناه برایشان بیشتر فراهم شود.

اگر دقت کنید ، به صراحت می گویند ، ای بابا ! وقتی در کنار او می نشینیم ، اصلا حرفی نمی زند و هیچی نمی گوید ، به اصلاح خودشان خشک هست ، بله چون ما می خواهیم از دنیا بشنویم و خوش باشیم ، سخنان باطل و لغو بشنویم و خوش باشیم اما او مرد خداست و غیر از حرف حق و درست ، چیزی نمی گوید لذا به دنیای ما خوش نمی گذرد ، آنوقت خُرده می گیریم که دوست خدایی پیدا نمی شود ، نه بلکه پیدا می شود اما ما از دست دادیم یا تحمل و ظرفیت اینکه با او باشیم را نداریم.

حالا حرف من اینست که اگر هم قرار شد که با کسی رفیق شویم ، فقط باید با یک انسان کامل یا در حد کامل باشد ، ما با بقیه ی انسانها هستیم و زندگی می کنیم و خوش برخورد هستیم ومهربانیم ، اما رفاقت خودمان و نشست و برخاست و دم خوردن خودمان را با هر کسی نداریم بلکه با یک انسانی داریم که خودش عیب و نقص نداشته باشد ،

ممکن است بگویید که انسان کامل از کجا پیدا کنیم ؟

اولا واقعا اگر تصمیم داریم در مسیر خدا قدم برداریم ، در این مساله هم باید از خدا کمک بخواهیم

ثانیا : در دوستی های خدایی ، سن ملاک و مهم نیست ، چون هدف رسیدن به خداست و انسان باید نسبت به یک انسان خدایی و مومن کامل ، عشق و علاقه بورزد و با او رفاقت و ارتباط برقرار کند ، برای رسیدن به خدا. یعنی چون هدف رسیدن به خداست ، دیگر سن دخالتی ندارد ، بله برای انسانهای دنیایی که دوستی هایشان را هم برای خوشی های دنیایشان می خواهند ، خیلی مهم هست که دوست و رفیق آنها ، با او هم سن باشد که بیشتر به آنها خوش بگذرد و درواقع نیازهای دنیایی او را بهتر درک کند و شرائطشان به یکدیگر نزدیکتر باشد .

فرض کنید که شما در یک زمانی بودید که امام زمان علیه السلام هم در میان شما بود ، آیا برای ارتباط با آن حضرت و رفاقت با او ، سن برای شما مهم بود یا اینکه تمام عشق و علاقه و لذت شما در این بود که در کنار حضرت باشید ؟!

در مورد انتخاب رفیق کامل و خدایی نیز باید اینچنین باشیم که به سن هیچ توجهی نکنیم و فقط معیارهای دینی را لحاظ کنیم

ثالثا : مقدار کم ارتباط و زمان ، برایم مهم نباشد . در دوستی خدایی ، شخص کاملی که بنده انتخاب می کنم در واقع به عنوان استاد اخلاق من می شود که با او در ارتباطم و از او کمک و راهنمایی می خواهم لذا اینطور نیست که من دائما با او در ارتباط باشم بلکه عاشق و علاقه مند به یک انسان پاک و خدایی شده ام که هر چند مدت یکبار ، مثلا هفته ای یکبار یا ماهی یکبار یا چند ماه یکبار او را می بینم و شارژ می شوم و از او برنامه می گیرم و وقتی او را می بینم ، انرژی می گیرم برای ترک گناهان .